

# راز بروز تدریج در آفرینش

رضا وطن دوست

بخش دوم

## اشاره:

در شماره پیش، با یادکرد آیاتی از قرآن که بر آفرینش تدریجی دلالت می‌کنند، بطور گذرا، بیش از ده معنی برای واژه (یوم - ایام) در قرآن برشمردیم. اکنون، مطالبی را که می‌توان در پاسخ پرسش «آفریدگار هستی‌بخش، یا اینکه قادر بود زمین و آسمان را در کمتر از یک چشم به هم زدن بیافریند، چرا آن را در شش روز آفرید؟» مطرح نمود، می‌آوریم. در این خصوص، با الهام از آیات و روایات و با بهره‌گیری از دیدگاه و اندیشه‌اندیشه‌وران مسلمان و فرهیختگان دانش قرآنی، به چندین نکته اشاره خواهد شد که هر یک، پاسخی روشن به سؤال یاد شده می‌باشد و یا رازی از رازهای تدریج در آفرینش، به‌شمار می‌آید.

۱. این آیات که آفرینش زمین و آسمان را در شش روز اعلام داشته‌اند از این قرارند: اعراف / ۵۴؛ یونس / ۳؛ هود / ۷؛ فرقان / ۵۹؛ سجده / ۴؛ حدید / ۴؛ ق / ۳۸ و نیز آیات ۱۲-۱۴ از سوره مؤمنون که بر خلقت تدریجی انسان صراحت دارد.

## تدریج، نفی اتفاق در امر خلقت

از دیرباز، بشر بر این عقیده است که نظام هستی، نظام علت و معلول است و هیچ پدیده‌ای - از بزرگترین اجرام آسمانی گرفته تا ریزترین موجود خاکی - بی‌علت، پدید نیامده و نخواهد آمد. این نظام - از مخلوق نخست گرفته تا پایان دنیای آفرینش - بر این جهان، حاکم است و نمی‌توان هیچ پدیده‌ای را معلول اتفاق یافت؛ زیرا، اگر بجای نظم و قانون علیت، اتفاق، حاکم بود، بشر نمی‌توانست در جهان آفرینش، به این همه تمدنهای پیشرفته، اکتشافات، صنایع مدرن و راه یافتن به کرات و افلاک، دست یابد. این پیشرفتهای، همه و همه، دلیل روشنی بر حاکمیت قانون علیت بر دنیای آفرینش است.

به رغم اینکه حاکمیت نظم و نظام علی و معلولی بر جهان هستی، یک امر بدیهی است و بداهت آن، چون خورشید، بر هیچ‌کس پوشیده نیست، معدودی از افراد بشر، چنین پنداشته‌اند که در جهان آفرینش نه نظم و نه قانون علیت حاکم است؛ بلکه مبدأ عالم، اجسام ذره‌بینی بوده است که از جنبش و حرکت بی‌نظم آنها جهان کنونی پدیدار گشته است.

ذیمقراطیس - فیلسوف معروف یونانی - و پیروان وی معتقدند:

مبدأ عالم، اجسام ذره‌بینی بوده است و آن ذرات، جنبشی مختلف و اشکال و اوضاعی گوناگون داشته است؛ آنگاه از آن ذرات بی‌نظم و حرکت بی‌رویه و شکل‌های نامشابه، بر حسب اتفاق، جهان و صور نوعی آن، پیدا شد.  
پس نخست، عالم، اتفاقی و بلانظم بوده و لیکن سپس انواع جواهر و طبایع، تحت نظم و علیت و معلولیت درآمدند!

برخی، پا را از این فراتر نهاده، دنیای پر رمز و راز آفرینش را از آغاز تا پایان،

معلول اتفاق می‌دانند؛ مانند قائلین به بخت و اتفاق:

اصلاً نه در ابتدا جهان را علتی بوده و نه اکنون و نه تا ابد نظم علی و معلولی وجود دارد. بلکه همهٔ امور، اتفاقی محض است و هیچ چیز تحت نظم علی قرار ندارد<sup>۱</sup>.

آیاتی که از نظم و آفرینش تدریجی حکایت می‌کند، پاسخ روشنی بر پندار غلط کسانی است که دنیای پراسرار آفرینش را بر اتفاق حمل می‌کنند؛ زیرا آن قادر متعال که می‌توانست زمین و آسمان را در یک، پلک زدن بیافریند، به منظور جلوگیری از کژاندیشی بشر، آن را با تأتی در مدت شش روز «سته ایام» آفرید؛ تا با برداشت نابجا، عالم خلقت را که از روی نظم و تدبیر پدید آمده است بر اتفاق حمل نکنند.

به دیگر سخن، هرگاه آفریدگار توانا زمین و آسمان را دفعی می‌آفرید، ممکن بود به غلط، تصور شود که آفرینش، اتفاقی بوده و بی‌آنکه نظم و تدبیری از سوی خالق دانا و توانا در آن اعمال شود، پدید آمده است.

فخر رازی در این باره، ذیل آیهٔ ۵۴ سورهٔ اعراف، می‌نگارد:

أَنْ الشَّيْءُ إِذَا أَحْدَثَ دَفْعَةً وَاحِدَةً ثُمَّ انْقَطَعَ طَرِيقَ الْإِحْدَاثِ فَلَعَلَّهُ يَخْطُرُ بِبَالٍ بَعْضُهُمْ أَنْ ذَلِكَ إِنَّمَا وَقَعَ عَلَى سَبِيلِ الْإِتْفَاقِ، أَمَّا إِذَا حَدَّثَ الْأَشْيَاءَ عَلَى التَّعَاقُبِ وَ التَّوَاصُلِ مَعَ كَوْنِهَا مُطَابِقَةً لِلْمَصْلَحَةِ وَ الْحِكْمَةِ كَانَ ذَلِكَ اقْرَبَ فِي الدَّلَالَةِ عَلَى كَوْنِهَا وَاقِعَةً بِأَحْدَاثٍ مَحْدَثٍ قَدِيمٍ حَكِيمٍ، وَ قَادِرٍ عَلِيمٍ رَحِيمٍ<sup>۲</sup>.

هرگاه پدیده‌ای به صورت دفعی به وجود آید و دست آفرینش از آن کوتاه شود، پنداشته خواهد شد که آفرینش، اتفاقی بوده است؛ لیکن اگر به صورت تدریج و با صرف زمان، پدید آید، ضمن اینکه این گونه عمل از مصلحت و حکمت خالی نیست، دلیل محکم و روشنی بر وجود خالق حکیم، توانا و آگاه خواهد بود.

اگر در یک لحظه کوتاه، زمین و آسمان، با قدرت بی‌بدیل خالق هستی، پدید می‌آمد، افزون بر اینکه این چنین آفرینشی بر اتفاق حمل می‌شد، محتمل بود بشر، خلقت را پایان یافته تلقی کند که در این صورت، پدیده‌هایی که پس از آن به وجود می‌آمدند به آفریدگار هستی، انتساب پیدا نمی‌کردند؛ در حالیکه مشیت خدا بر این تعلق گرفته است که بشر، نسلی پس از نسل دیگر، به وجود آید و پیامبری پس از پیامبر دیگر، برانگیخته شود تا پیامهای خداشناسی و دستورات خداوند حکیم را در زمانهای مناسب و با فاصله زیاد و اندک، برای سعادت بشر، ابلاغ نمایند.

خلاصه آنکه امری در جهان بی‌سبب و بدون علت نیست و اتفاق، مفهومی است که اصلاً مصداق خارجی ندارد ولی ما بشر که مجهولاتمان غیر متناهی و گاهی قوای ادراکی ما که چیزی درک می‌کند از تفحص و جستجوی علت اشیا، خسته می‌شود یحای آنکه گوید من سبب و علت این چیز را فهم نکردم می‌گوید: بلاسبب و اتفاقی صرف است. پس اتفاق را فکر مردم تنگ حوصله کم ظرف بی‌هوش قائل شده و این اوهام و خرافات باطل را در مقابل افکار عالیه حکماء الهی اختراع کرده است.<sup>۱</sup>

### تدریج و قدم آفریدگار

یکی از مباحث کلامی، موضوع قدیم یا حادث بودن موجودات است. اندیشه‌وران علم کلام، پس از آنکه موجود را به روش قسمت حقیقی<sup>۲</sup> به قدیم و حادث قسمت کردند، در تعریف آن دو، چنین گفتند:

قدیم عبارت است از موجودی که مسبوق به عدم نباشد؛ یعنی، موجودیکه

۱. محیی‌الدین الهی قمش‌ای، حکمت الهی عام و خاص، ج ۱، ص ۶۵

۲. در قسمت حقیقی، اقسام، نه با هم جمع می‌شوند و نه مرتفع می‌گردند.

پیش از آن، اولی تصور نشود<sup>۱</sup>.

حادث عبارت است از موجودیکه مسبوق به عدم بوده و پیش از آنکه پدید آید، زمانی بر آن گذشته باشد؛ یعنی، موجودیکه قبل از آن، اول تصور دارد<sup>۲</sup>.

حضرت علی علیه السلام در این باره که قدیم چیست و مورد آن کدام است، می فرماید:

خدا آن اولی است که پیش از هر چیز، وجود داشته و قبل از هر اولی بوده است و به سبب اول بودنش ایجاب می کند که پیش از او، هیچ اولی نباشد «الأول قبل کلّ أوّلٍ و الآخر بعد کلّ آخر. باولئته و جب ان لا أوّل له و بآخرته و جب ان لا آخر له»<sup>۳</sup>.

به رغم اینکه میان صاحب نظران، در مکاتب مختلف اسلامی و حتی غیر اسلامی، در معنی و مصداق قدیم و حادث، اختلاف شایانی است<sup>۴</sup>؛ شماری از دانشمندان کلامی چنین اظهار داشته اند: «فالقَدِيم عند أصحابنا و المحققين من المعتزله كَأبي الحسين هو الله تعالى لا غير»<sup>۵</sup>.

در مقابل این دیدگاه، حرنانیون<sup>۶</sup> و شماری از اشاعره، دایره قدیم را گسترش داده، افزون بر ذات اقدس حق تعالی، نفس، هیولا، دهر و خلأ را نیز قدیم

رتال جامع علوم انسانی

۱. جمال الدین مقداد بن عبدالله السیوری الحلّی، ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين، ص ۱۴۹؛ شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۰، صص ۳۳۱-۳۳۲. ۲. همان
۳. نهج البلاغه فیض، خطبه ۱۰۰، ص ۲۹۷
۴. برای آشنا شدن با دیدگاه های مختلفی در مفهوم و مصداق واژه قدیم و حادث، بنگرید به مجموعه آثار استاد شهید مطهری، صص ۳۳۱-۳۴۵.
۵. جمال الدین مقداد بن عبد الله السیوری الحلّی، ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين، ص ۱۵۰؛ اللوامع الالهیه فی مباحث الکلامیه، ص ۲۲
۶. حرنانیها گروهی از فرقه صائبیها هستند. (شهرستانی، ملل و نحل، ج ۲، ص ۲۲۴)؛ حرنانیها گروهی از جماعت صائبیهای کلدانی هستند. (جمال الدین مقداد بن عبد الله السیوری الحلّی، اللوامع الالهیه فی مباحث الکلامیه، ص ۲۲)

می‌پندارند<sup>۱</sup> و برخی از فلاسفه، پا را از این فراتر گذاشته، عقول و اجرام فلکی و حرکات آن‌ها را نیز قدیم می‌دانند.

آیاتی که از تدریج در پیدایش عالم تکوین خبر می‌دهد پاسخ روشنی است به پندارهای ناپخته‌ای که مخلوق و ممکن‌الوجود را مانند واجب‌الوجود، قدیم می‌دانند.<sup>۲</sup> با الهام از این‌گونه آیات، درمی‌یابیم که عالم و دنیای آفرینش، در وجودش محتاج به مؤثر است و هر نیازمندی حادث است؛ بنابراین، عالم تکوین، حادث خواهد بود و از دیگر سو، آن مؤثری که دنیای آفرینش، نیازمند آن است، در موازات حدوث عالم، باید قدیم باشد<sup>۳</sup>؛ زیرا، اگر آن مؤثر نیز همانند دیگر پدیده‌ها، حادث باشد، دور یا تسلسل لازم خواهد آمد که بطلانش بر هیچ خردمندی پوشیده نیست.<sup>۴</sup> امام علی علیه السلام در اشاره به این مطلب، پس از ستایش خالق هستی می‌فرماید:

پیدایش مخلوقات، بر قدیم و قائم بالذات بودن آفریدگار دلالت دارد؛ چنانکه آفریده‌ها، اذهان بشر را به وجود او راهنمایی می‌کند.  
«الحمد لله الذی لاتدرکه الشواهد ... الدال علی قدمه بحدوث خلقه و بحدوث خلقه علی وجوده»<sup>۵</sup>.

آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید:

ستایش، ویژه خدایی است که پیدایش موجودات را دلیلی روشن، بر وجود خود و پدیدار ساختن مخلوقات را نشانی بر ازلی و ابدی بودن خویش قرار داد.

۱. جمال‌الدین مقداد بن عبدالله السیوری الحلی، *ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين*، ص ۱۵۰.
۲. گر چه قدم باری تعالی و حدوث ماسوی الله از جای جای دنیای آفرینش به دست می‌آید اما چنانکه به زودی خواهیم دید، موجوداتی که به صورت تدریجی پدید آمده‌اند، روشتر از دیگر پدیده‌ها بر قدم ذات اقدس حق و حدوث ممکنات، دلالت می‌کنند.
۳. لایحوز ان یكون فاعل المحدثات محدثاً. (باقلانی، *التمهید*، ص ۴۶).
۴. جمال‌الدین مقداد بن عبدالله السیوری الحلی، *ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين*، صص ۱۶۵-۱۶۶.
۵. *نهج البلاغه صبحی صالح*، خطبه ۱۸۵، ص ۲۶۹.

«الحمد لله الدال على وجوده بخلقه و بمحدث خلقه على أزلته»<sup>۱</sup>.

نتیجه سخن آنکه: آیاتی که از آفرینش تدریجی حکایت می‌کند، ضمن اینکه بر قدیم بودن آفریدگار دلالت دارد، بر حدوث ما سوی الله نیز اشاره دارد؛ زیرا، قرآن با صراحت تمام، اعلام کرده است: «زمین و آسمان و آنچه در میان آن دو است، در شش روز پدید آمده است.» بدیهی است، عمر آنچه در روز ششم، آفریده شده، از آنچه در روز نخست، پدید آمده است، به اندازه پنج روز، کمتر است و در مقابل، عمر آنچه در روز اول آفریده شده است، پنج روز از آنچه در روز ششم، خلق گشته است بلندتر است.

این تفاوت که موجب کوتاه‌تر یا بلندتر شدن عمر مخلوقات از یکدیگر شده است، ایجاب می‌کند، تمام پدیده‌ها و مخلوقات، متناهی باشند و هرآنچه متناهی است، حادث خواهد بود.

علامه مجلسی، ذیل آیه «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...»<sup>۲</sup> و نظایر آن، می‌نگارد:

و على أي حال هذه الآية و ما سیاتی من اشباهها تدل على حدوث السموات و الارض و ما بينهما. لأن الحادث فی يوم الأخير مثلاً مسبوق بخمسة ايام فيكون متناهی البقاء متقطع الوجود فی جهة الماضي. و الموجود فی اليوم الاول زمان وجوده ازید على الأخير بقدر متناه فالجميع متناهی الوجود حادث<sup>۳</sup>.

به هر تقدیر، این آیه و نظایر آن، بر حدوث آسمانها، زمین و آنچه میان آن دو است، دلالت می‌کند؛ زیرا پدیده آخرین روز، پس از آنکه پنج روز بر آن گذشت،

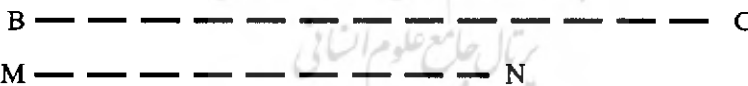
۱. نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۱۵۱ ۲. اعراف / ۵۴

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۹. و نیز بنگرید به ص ۲۵۷ از همین منبع که نزدیک به مضمون عبارت یاد شده آمده است: «و منها الآيات و الاخبار الداله على خلق السموات و الارض فی ستة ايام لان الحادث فی اليوم الأخير مسبوق بخمسة ايام فيكون متقطع الوجود فی الماضي...»

آفریده شد. از این رو، (پدیده آخرین روز) مخلوقی متناهی و منقطع الوجود در گذشته به شمار می آید (و در مقابل)، عمر مخلوق نخستین روز، به اندازه متناهی (یعنی پنج روز) از عمر آخرین مخلوق در روز ششم بلندتر است؛ پس تمام آنچه در شش روز، آفریده شده است، متناهی و حادث خواهد بود.

آیاتی که خلقت زمین و آسمان را در شش روز اعلام کرده است با ملاحظه برداشت علامه مجلسی، به برهان تطبیق در مورد تنهای اجسام، اشاره دارد؛ بدینسان که هرگاه دو سلسله زنجیر - با فرض اینکه نامتناهی باشند - با هم مقایسه شوند، باید در برابر هر یک از حلقه‌های زنجیر M-N یک حلقه از زنجیر B-C قرار گیرد؛ زیرا، با فرض اینکه هر دو سلسله، نامتناهی هستند، نباید چیزی کم یا زیاد باشد؛ زیرا صدق کم و زیاد در اجسام، نشانه تنهای آنهاست.

حال، اگر از سلسله M-N ده حلقه جدا شود و دوباره، هر دو سلسله با هم تطبیق شوند، در این صورت، اگر از سلسله M-N چیزی کم نیاید خلاف فرض است و اگر در تطبیق، کسر بیاید - که باید باشد - خواهیم گفت: سلسله M-N به مقدار ده حلقه از سلسله B-C کوتاه‌تر است و سلسله B-C به اندازه ده حلقه از سلسله M-N بلندتر است.



نتیجه تطبیق، این خواهد شد که باید هر دو سلسله، متناهی باشند؛ زیرا: اولاً، در نامتناهی، کم و زیاد و کوتاه و بلند راه ندارد؛ در حالی که در این دو سلسله، کوتاه و بلندی راه یافته است.

ثانیاً، سلسله B-C از سلسله M-N به اندازه ده حلقه بلندتر است؛ بنابراین، چون مقدار بلندی، معلوم و متناهی است، باید کل سلسله، متناهی باشد!

۱. جمال الدین حسن بن یوسف (علامه حلی)، کشف المراد، بیروت، مؤسسة الاعلمی، چاپ اول،



اشاره آیاتی که خلقت زمین و آسمان را در شش روز اعلام کرده است به برهان تطبیق، بدین صورت است که عمر مخلوق روز اول پنج روز از آنچه در روز ششم آفریده شده است، بلندتر است و در مقابل، عمر مخلوق ششمین روز، به همان اندازه از عمر مخلوق نخستین روز، کوتاه تر است.

به دیگر سخن: از یک سو اختلاف مخلوق نخستین روز، با مخلوق روز ششم، پنج روز است و این مقدار، محدود و متناهی است و از سوی دیگر، هرگاه در دایره نامتناهی، تناهی راه یابد، کاشف به عمل می آید، آن نامتناهی که فرض عدم تناهی شده بود، متناهی بوده است؛ بنابراین، تمام آفریده های شش روز، باید متناهی باشند.

پس از آنکه با برهان تطبیق، در آیات مورد گفت و گو، تناهی مخلوقات، حدوث و امکان که یک طرف داستان آفرینش است ثابت شد، قدیم بودن آفریدگار جهان نیز که طرف دیگر داستان آفرینش است، به روشنی ثابت می شود؛ زیرا، با فرض تناهی، حدوث و امکان مخلوقات، اگر مؤثر اول، قدیم نباشد، دور یا تسلسل لازم خواهد آمد که از دیدگاه تمامی متفکران، مردود است.<sup>۳</sup>

### تدریج در آفرینش و تقیید پدیده های جسمانی به زمان

از جمله مباحثی که می توان پیرامون (فعل خدا) به بحث گذاشت، این است که آیا افعال الله، همانند افعال بشری، تقیید بردار است و به زمان، محدود می شود یا نه؟ برخی از دانشمندان، بر این عقیده اند که افعال خدا، زمان بردار نیست و تصور زمان برای افعال خدا صحیح نیست؛ زیرا، (فعل الله) همانند ذات اقدس او، فوق

۱. مانند آیه ۵۴ از سوره اعراف، آیه ۷ از سوره هود، آیه ۴ از سوره سجده و ...

۲. جمال الدین حسن بن یوسف (علامه حلی)، کشف المراد، ص ۱۷۹

۳. همان، ص ۱۱۸

زمان و مکان است.

به دیگر سخن، آنچه زمان بردار است و با گذشت زمان به صورت تدریجی پدید می آید، نمی تواند از افعال خدا به شمار آید؛ زیرا، همانسان که ذات بی بدیل او بر همه چیز - از جمله زمان - احاطه دارد، فعل خدا نیز تدریجی و زمان بردار نیست و بر همه چیز احاطه دارد؛ روشن است، آنچه محیط است، محاط واقع نمی شود.

نویسنده تفسیر بیان السعاده در ابراز این عقیده که فعل خدا، هیچ تقیدی به زمان نداشته، هرگز، محدود به زمان نمی شود، می نویسد:

اعلم ان فعل الله تعالى لا يتقيد بالزمان و قد قالوا: ان الافعال المنسوبة الى الله منسلخة عن الزمان. فإن المحيط كما لا يحاط ذاته بالزمان لا يحاط فعله بالزمان و ان ايام الله محیطة بالايام الزمانية<sup>۱</sup>.

دانسته باش که فعل خدا زمان بردار نیست و آنگونه که گفته اند: افعال منسوب به خدا رها شده از زمان است. چونانکه محیط (خدا) ذاتش محاط واقع نمی شود، فعل او نیز محاط واقع نخواهد شد. ایام خدا محیط بر ایام روزگار است.

در پاسخ به برداشت یاد شده، می توان گفت: در پدیده هایی که از نوع زمان دار و جسمانی به شمار می آیند، تغییراتی به وقوع می پیوندد تا در این بستر، از مراتب ناقص و نازل به مراتب کامل و عالی نایل آیند.

خلقتی که به اینگونه پدیده های جسمانی تعلق می گیرد، چونان ریسمانی است که از دو طرف، به دو مرکز گره خورده است؛ نخست، از آن جهت که یک طرف آفرینش، فعل خداست و با مشیت و اراده او پدید می آید؛ دوم، از آن جهت که طرف دیگر آن به حقایقی بستگی دارد که به صورت تدریجی و با صرف زمان پدید می آید.

از جهت اول، چون خدا مجزّد و فوق زمان و مکان است، نمی‌تواند امر تدریجی الحصول و محدود به زمان باشد؛ زیرا، ذات اقدس حق، موجود مادی نیست که بر او حالات گوناگون، عارض شده و معرض حوادث و اعراض واقع گردد. (لم یسبق له حال حالاً) اما از جهت دوم، چون آفرینش، مرتبط به اشیاء مادی است و مادیات از امور تدریجی الحصول و زمان‌دار به شمار می‌آیند، تصوّر زمان و تقدّم آنها به زمان، بی‌اشکال خواهد بود. بنابراین، هیچ بعدی ندارد که فعل خدا از این لحاظ، مقید به زمان شده و زمان‌دار به شمار آید.

استاد مصباح، در این باره می‌نویسد:

از آن جهت که فعل خدا، به معنای مصدری؛ یعنی، حیثیت صدور از پروردگار، امر تدریجی و زمان‌دار نیست؛ برای فعل خدا مراتب زمانی، نمی‌توان قائل شد. ولی از لحاظ حاصل مصدر و نتیجه فعل، چون ممکن است (زمانی) باشد، جای این هست که این فرض درباره آن، مورد توجه قرار گیرد...<sup>۱</sup>.

استاد مصباح، در ادامه و تکمیل مطلب، می‌نویسد:

افعال الهی از آن جهتی که انتساب به اشیاء خارجی دارد، قابل اتّصاف به زمان هم هست و حتی صفاتی هم که از این افعال، انتزاع می‌شود، از لحاظ انتسابشان به مخلوق، به یک معنی قابل اتّصاف به زمان و مکان هستند؛ مثل، صفت خالقیت از آن جهتی که خلق (چه به صورت فعل بیان شود، چه به صورت صفت) انتساب به مخلوق زمانی دارد، ممکن است ظرف زمان برایش فرض شود؛ بگوییم خدا در این زمان موجود را خلق کرده نه در زمان قبل و نه بعد. و این بلحاظ یکطرف اضافه است که موجودی است زمانی.<sup>۲</sup>

برداشت (جنابندی) در تفسیر بیان السعاده<sup>۳</sup> که ابراز داشته است: افعال خدا، رها

۱. محمد تقی مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۱۷۹

۲. همان، ص ۱۸۰

۳. بیان السعاده، ج ۲، ص ۱۸۵

شده از هرگونه قید زمان است، به لحاظ حیثیت صدور از پروردگار است نه به لحاظ انتساب فعل الله به اشیاء خارجی؛ زیرا، همچنانکه ملاحظه شد، آفرینش که فعل الله است به لحاظ پدیده‌های زمانی قابل انصاف به زمان است.

آیات قرآن که خلقت زمین و آسمان را در شش روز اعلام کرده است، خود پاسخ روشنی بر برداشت یاد شده است؛ زیرا، تحدید خلقت زمین و آسمان به شش روز، صراحت بر تقید فعل خدا بر زمان دارد. ولی همچنانکه ملاحظه شد، این تقید، به لحاظ انتساب فعل خدا به پدیده‌های زمانی است نه به لحاظ انتساب خلقت به خدا.

صدرالدین شیرازی، ذیل آیه ۴ سوره سجده که از خلقت زمین و آسمان در شش روز و تقید خلقت به زمان، حکایت می‌کند،<sup>۱</sup> روی کلمه «السماء» انگشت گذاشته، می‌نویسد:

از آن جهت که آسمان دارای ماهیت مادی است، به صورت تدریجی و با صرف زمان پدید آمده است. «فقد ثبت ان السماء بما هی شخصیة محسوسة و کذا غیرها من الامور المحسوسة المادیة الموجودة فی عالم الدنیا أمر زمانی الوجود، تدریجی الحصول ...»<sup>۲</sup>

ثابت است که آسمان و همچنین غیر آن، چون دارای ماهیت حسی بوده، از امور مادی به شمار می‌آید، یک مخلوق زمان‌بری است که به صورت تدریجی پدید آمده است.

۱. الله الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ...

۲. صدر المتألهين، تفسير القرآن الكريم، ج ۶، ص ۲۳

## تدریج، تدبیر در آفرینش

از جمله مطالبی که می‌توان در پاسخ پرسش «چرا آفریدگار جهان، زمین و آسمان را در شش روز آفرید؟» مطرح کرد، این است که اگر زمین و آسمان، در یک لحظه پدید می‌آمد، کمتر می‌توانست از علم و قدرت خالق هستی در امر آفرینش، حکایت کند. اما آنگاه که آفرینش، در گونه‌های مختلف و منظم، صورت پذیرد، گواه روشنی بر قدرت و عظمت آفریدگار خواهد بود.

شیخ الطائفه، ذیل آیه ۵۴ سوره اعراف - که از خلقت زمین و آسمان در مدت شش روز<sup>۱</sup> حکایت می‌کند - در این خصوص که آفرینش تدریجی، روشنتر از خلقت دفعی می‌نماید می‌نویسد:

و الوجه فی خلقه إياهما «فی ستة أيام» مع أنه قادر علی إنشائهما دفعة واحدة  
قیل فیہ وجوه:

أحدها أن تدبیر الحوادث علی إنشاء شیء بعد شیء علی ترتیب، أدل علی کون  
فاعله عالماً قديراً یصرفه علی اختیاره و یجریه علی مشیتة<sup>۲</sup>.

با اینکه خدا قادر بود زمین و آسمان را در یک لحظه پدید آورد، آن را در شش روز آفرید؛ حکمت این کار چند امر است. از جمله آنکه تدبیر تدریجی آفرینش و خلق لحظه به لحظه آن، دلیل روشنتری بر علم، قدرت و عظمت آفریدگار است که به عالم هستی و دنیای پدیده‌ها، نظم بخشیده و می‌بخشد.

استاد مکارم شیرازی نیز ذیل آیه ۷ سوره هود که خلقت زمین و آسمان را به تصویر کشیده است،<sup>۳</sup> می‌نویسد:

آفرینش جهان در شش دوران متوالی و پی در پی - با اینکه خدا قدرت داشت

۱. إِنَّ رَبَّكُمْ اللهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ...

۲. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، صص ۴۲۱-۴۲۲. ۳. وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ...

تمام عالم را در یک لحظه بیافریند - به خاطر آنست که این آفرینش تدریجی که هر زمان چهره تازه و رنگ نو و شکل بدیعی پیدا می‌کند بهتر و بیشتر، قدرت و عظمت خدا را معرفی می‌نماید. او می‌خواست قدرت خویش را در هزاران چهره بنماید، نه تنها در یک چهره، در هزاران لباس، حکمتش را نشان دهد نه تنها در یک لباس. تا شناخت ذات پاکش و همچنین شناخت قدرت و حکمتش آسانتر و روشتر باشد.<sup>۱</sup>

افزون بر آنچه گذشت، خود قرآن نیز به این مطلب که تدبیر لحظه به لحظه، موجب آگاهی دهی بیشتری می‌شود، اشاره کرده است. در سوره طلاق، در اشاره به امر تکوینی خداوند و تدبیر پیوسته و بلاانقطاع خالق هستی، آمده است:

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ فِي الْأَمْرِ بَيْنَهُنَّ...<sup>۲</sup>  
 خداوند، کسی است که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز همانند آن را، این فرمان در میان آنها، پیوسته نازل می‌شود.

آنگاه در ذیل آیه یاد شده، به هدفمندی آفرینش که همانا آگاهی بخشیدن آدمی است، اشاره کرده، می‌گوید: نزول تدریجی امر خدا به منظور آن است که علم و آگاهی به قدرت خدا و علم بیکران او پیدا کنید که او بر همه چیز احاطه کامل دارد. «... لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا»<sup>۳</sup>

۱. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۵

۲. در کتب لغت، واژه «تنزل» به نزول یا مهلت و تأنی ترجمه شده است. رک: ابن منظور، لسان العرب،

ج ۱۱، ص ۶۷۵؛ المنجد، ذیل ماده «ن ز ل»؛ سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۷، ص ۴۶؛

۳. طلاق / ۱۲

اقرب الموارد؛ صحاح اللغة و...

۴. همان

## تدریج در آفرینش و فاعل مختار

از جمله موضوعاتی که محل بروز آراء مختلفی بوده و هست، مسأله مختار یا مطبوع و موجب بودن واجب الوجود است. فاعلی که منشأ اثر بوده و فعل از آن سر می‌زند، به دو صورت، قابل تصور است:

۱. فاعل به گونه‌ای است که هنگام صدور فعل از او، عدم صدور فعل، ممکن باشد؛ به این معنی که فاعل، فاعل مختاری است که اراده‌ی وی، ممکن است به یکی از دو طرف (ترک یا عمل) تعلق گیرد. آنچه را اراده کرده است، ترک کند یا انجام دهد.
۲. فاعل به گونه‌ای است که اراده او فقط به فعل، تعلق می‌گیرد و طرف دیگر «ترک» برای او ناممکن است.

از صورت اول، به فاعل مختار تعبیر می‌شود؛ مانند انسان که نسبت به قیام و قعود و حرکت و سکون، مختار است. و صورت دوم به فاعل موجب، تعبیر می‌شود؛ مانند خورشید، در نوردهی و آتش، در احراق؛ زیرا، بی‌آنکه خورشید و آتش، کوچکترین اختیاری داشته باشند منشأ نور و احراق به شمار می‌آیند. برخی از فلاسفه قدیم، واجب الوجود را که فاعل اول است، موجب می‌دانند و برای اثبات این مدعا می‌گویند:

الف) هر علت تامی موجب است و هرگز علت تام، فاعل مختار نخواهد بود؛ زیرا، با فرض تام بودن فاعل، اگر فعل آن، در زمانی به وقوع بپیوندد و در زمان دیگر ترک شود، بی‌گمان ترجیح بلامرجح خواهد بود و یا آنچه تام فرض شده است، تام نباشد و این خلاف فرض است.

ب) چون واجب الوجود، علت تام برای عالم تکوین است، باید موجب باشد؛ زیرا، در غیر این صورت، یکی از دو نکتهٔ مردود «ترجیح بلامرجح و عدم تام بودن واجب الوجود» لازم خواهد آمد.

فاضل مقداد در این باره می‌نویسد<sup>۱</sup>:

قد عرفت ان العلة التامة ما هي و حيثئذ نقول: يمتنع تخلف معلولها عنها و الا  
لزم الترجيح بلامرجح او فرض ما ليس بعلّة تامة، علة تامة و كلا الامرين محال<sup>۲</sup>.

آیاتی که در قرآن، از آفرینش تدریجی حکایت می‌کند، پاسخ روشنی بر دیدگاه فلاسفه قدیم است که واجب الوجود را موجب می‌دانند؛ بدینسان که اگر ذات باری تعالی، موجب باشد، قول به قدم عالم نیز اجتناب ناپذیر خواهد بود؛ زیرا، لازمه ایجاب، قدم عالم است. این در حالی است که خداوند با نزول این آیات، تار و پود این دیدگاه را از هم پاشیده است؛ زیرا آفریدگار، با نزول این گونه آیات، خواسته است، اعلام کند: پس از آنکه هیچ اثری از زمین و آسمان نبود، آن را در مدت شش روز از هیچ آفریدم و ناگفته پیداست، هر آنچه مسبوق به عدم باشد نمی‌تواند قدیم باشد.

خواجه نصیرالدین طوسی در این خصوص می‌نویسد:

خلق عالم پس از آنکه نبوده است پندار ایجاب واجب الوجود را نفی می‌کند.  
«وجود العالم بعد عدمه ینفی الایجاب»<sup>۳</sup>

آلوسی نیز در این باره می‌نویسد:

با اینکه خدا قادر بود عالم تکوین را در یک چشم به هم زدن بیافریند، آن را در مدت شش روز آفرید. این آفرینش تدریجی گواه روشنی بر مختار بودن واجب

۱. برای تفصیل مطلب به کشف المراد، صص ۸۱-۸۲ و گوهر المراد فیاض لاهیجی، ص ۲۵۶ و شرح تفسیر الاعتقاد شعرانی، ص ۸۱ و شرح کشف المراد ابوالحسن شعرانی، صص ۸۲-۸۳ و ارشاد الطالین، صص ۱۸۲-۱۸۷ مراجعه شود.

۲. جمال الدین مقداد بن عبدالله السیوری الحلّی، ارشاد الطالین الی نهج المسترشدين، ص ۱۶۴

۳. الخواجه نصیرالدین محمد بن الحسن الطوسی، شرح تفسیر الاعتقاد، چاپ بیروت، مؤسسة الاعلمی، ص ۳۰۵



الوجود است نه موجب بودن او که برخی پنداشته‌اند.<sup>۱</sup>

علامه مجلسی رحمته‌الله در باب حدوث عالم و آغاز آفرینش، پس از ذکر آیاتی که از آفرینش زمین و آسمان و حضرت آدم و سایر موجودات حکایت می‌کند، می‌نویسد:

أنه سبحانه أما خلق في هذه المدة (سته ایام) مع أنه كان قادراً على خلقها في طرفة عين إما ... او ليعلم بذلك أنها صادرة من قادر مختار عالم بالمصالح و وجوده الأحكام اذ لو حصلت من مطبوع او موجب لحصلت في حالة واحدة<sup>۲</sup>.  
خداوند سبحان با اینکه توان آفرینش دُفعی داشت، آن را در مدّت شش روز آفرید. این بدین منظور بود که یا ... و یا خواسته به آدمی بیاموزد که عمل خلقت از خالق قادر، مختار و آگاه به مصالح و وجوه احکام، صادر گشته است؛ زیرا، اگر عمل خلقت از فاعل مطبوع و غیر مختار سر می‌زد، باید آفرینش، در یک لحظه صورت می‌گرفت.

بدینسان روشن شد، از جمله حکمت‌هایی که در آفرینش تدریجی زمین و آسمان به چشم می‌خورد، این واقعیت است که آفریدگار جهان، خواسته است با این عمل، ثابت کند که او در آفرینش، مختار بوده و پندار ایجاب درباره او محکوم و مردود است.

## تدریج در آفرینش، نمودی از معاد

معاد و رستاخیز، از اساسی‌ترین موضوعاتی است که قرآن، در صدد اثبات آن است. ناگفته پیداست، معاد که حشر دوباره است، وابستگی تامی به قدرت و علم

۱. آلوسی بغدادی، تفسیر روح المعانی، ج ۸، ص ۱۳۳

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۶

خدا دارد؛ زیرا، این مسأله ایجاب می‌کند، از یک سو، همه چیز پس از فنا و نابودی در علم خدا ثبت شود، تا در هنگام حشر دوباره، اشتباهی صورت نگیرد و از سوی دیگر، به گذشته انسان، رسیدگی و برابر پرونده‌ای که خود، در دنیا پیچیده است، عمل گردد و به پاداش یا کیفر و نعمت یا نعمت، نایل آید.

بدینسان در این مجال دو مطلب، قابل پیگیری است:

الف) رستاخیز، تداوم خلقت نخستین

ب) تدریج در آفرینش، جلوه‌ای از تحقق وعده آفریدگار

### رستاخیز، تداوم خلقت نخستین

در پاسخ به منکران معاد که عقیده آنان، انکار علم و قدرت بی‌بدیل خداوندی را به دنبال دارد، می‌توان مسأله آفرینش نخستین را - که برای بشر ملموس تر است - به میان آورد و فکر و اندیشه او را به داوری این واقعیت انکارناپذیر، طلبید. آیا همان آفریدگاری که توانست زمین و آسمان را با طول و عرضی که دارد، از عدم و نیستی پدید آورد، نمی‌تواند به بشر از ذرات باقی مانده وجودش، زندگی دوباره بخشد؟! مگر بستن یک دستگاه پیچیده، پس از به هم ریختن قطعات آن، از ساخت و طراحی آغازین آن، ساده‌تر نیست؟

خدا به پیامبر ﷺ دستور داد تا در پاسخ منکران معاد که با نخوت تمام استخوان پوسیده‌ای را بهانه کردند<sup>۱</sup> بگوید: همان خداوندی که شما را از عدم آفرید پس از متلاشی شدن نیز می‌تواند زندگی دوباره بخشد

«قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ»<sup>۲</sup>

بگو همان خدایی که نخستین بار آن را پدید آورد. اوست که بر هر آفرینشی داناست.

قرآن، معاد را تداوم خلقت نخستین می داند و در این باره می گوید:

مگر ما از آفرینش نخست، عاجز بوده و به تنگ آمدیم (که متکران معاد در حشر دوباره دچار تردید شدند؟ نه) بلکه آنها از خلق جدید در شبهه اند. «أَفَمِینَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِی لَبِیسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِیدٍ»<sup>۱</sup>

فخررازی، ذیل آیه ۵۴ سوره اعراف که از خلقت تدریجی زمین و آسمان حکایت می کند<sup>۲</sup>، در این باره که این قبیل آیات، آدمی را در جهت ایمان به معاد کمک می کند می نویسد:

قرآن بر توحید، نبوت، معاد و قضا و قدر تأکید شایانی کرده است بی گمان، اساس اثبات معاد به توحید، قدرت و علم خدا بستگی دارد و چون خدا بر تثبیت معاد مبالغه فرموده است به ذکر دلایل توحید و قدرت و علم خدا پراخته است تا از این رهگذر معاد را اثبات نماید.<sup>۳</sup>

### تدریج در آفرینش، جلوه‌ای از تحقق وعده خداوند

از جمله موضوعاتی که در متن ادیان نهفته است، معاد و رستاخیز است و بشر نیز در هر آیینی که باشد، به این مسأله عقیده دارد و دفن ابزار کار، اشیاء و حیوانات و

۱. ق/ ۱۵

۲. «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِی سِتَّةِ آیامٍ»

۳. فخررازی، التفسیر الکبیر، ج ۱۴، ص ۱۹۶؛ احمد مصطفی المراغی، تفسیر المراغی، چاپ بیروت، ج ۹، ص ۱۶۹

اشخاص در کنار جنازه‌ها، گواه این واقعیت است<sup>۱</sup>  
یکی از مسائلی که معاد، آن را تداعی می‌کند، موضوع مُجازات در قیامت  
است و این پرسش مطرح است که: با اینکه خداوند قادر بود در دم، گردن‌کشان را  
مجازات کند، چرا مجازات را به رستاخیز محول کرده است؟

در پاسخ باید گفت: تأخیر در مجازات، به این معنی نیست که خداوند در فعل  
خود اهمال کرده است، بلکه وعده خدا حق است ولو با گذشت زمان بسیار، به  
وقوع خواهد پیوست «أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ...»<sup>۲</sup>

از جمله اموری که مجازات در قیامت را به فهم بشر نزدیک و قابل لمس  
می‌کند، آفرینش تدریجی زمین و آسمان است؛ زیرا، از نخستین لحظه‌ای که بنای  
این جهان نهاده شد، تا پایان آن، شش روز که شاید هر روز آن، پنجاه هزار سال<sup>۳</sup> یا  
هزار سال، به سالهای دنیاست<sup>۴</sup> طول کشید.

اگر در این مدت، وعده خدا - مبنی بر خلقت زمین و آسمان و تکمیل آن -  
تحقق یافت، وعده خدا درباره مجازات گناهکاران در قیامت نیز، تحقق خواهد  
یافت که خود فرمود: «آگاه باش که البته وعده خدا (در ثواب و عقاب) راست  
است».<sup>۵</sup>

خداوند عالم، پس از یادآوری مجازات قوم ثمود، به کفار قریش هشدار داده،  
می‌گوید:

«وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُ مِنْ قَوْمٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ»<sup>۶</sup>

۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، صص ۴۹-۱۸۰؛ ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، صص ۳۵۷-۳۸۴.

۲. یونس / ۵۵

۳. «تعرج الملائكة و الروح الیه فی یوم کان مقداره خمسين الف سنه» (معارج / ۴)

۴. «إِنَّ یوماً عند ربك کألف سنه مما تعدون» (حج / ۴۷)

تفسیر ابن عباس، ذیل آیه ۳ سوره یونس؛ تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، ص ۳۵

۶. ق / ۳۶

۵. یونس / ۵۵

چه بسیار اقوامی را که توانمند بودند به خاطر کفر و ستمی که داشتند مجازات کردیم.

آنگاه با یادآوری آفرینش تدریجی زمین و آسمان، به تحقق وعده الهی، جلوه‌ای خاص بخشیده است و با اعلان این مطلب که وعده خدا درباره مجازات بدکاران، ولو با گذشت زمان، به وقوع خواهد پیوست،<sup>۱</sup> بر این واقعیت، صحنه گذاشته است.<sup>۲</sup> «و لقد خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ»<sup>۳</sup> در پایان این بخش، سخنی از فخر رازی می‌آوریم که ارتباط بس ظریف و عالمانه، میان مجازات در ستاخیز و آیاتی که از آفرینش تدریجی حکایت می‌کند را به تصویر کشیده است.

ایشان در پاسخ این سؤال که چرا خداوند، جهان تکوین را در شش روز آفرید و چه فایده‌ای در یادآوری شش روز وجود دارد؟<sup>۴</sup> می‌گوید:

گرچه خدا قادر بود همه چیز را در دم بیافریند ولی از آنجا که برای هر پدیده‌ای زمان معلومی قرار داده است، مشیت او بر این تعلق گرفت که آفرینش هم در قالب همین نظام شکل بگیرد؛ همچنانکه برای پاداش نیکوکاران و کیفر بدکاران مهلتی را مقرر فرموده است که پیش از آن اراده و مشیت او به وقوع نخواهد پیوست.<sup>۵</sup>

آنگاه در تأیید این مطلب، به دو آیه از قرآن استدلال کرده می‌نویسد:

فهذا التأخیر لیس لاجل أنه تعالی اهل العباد بل لما ذکرنا انه خص کل شیء

۱. «و لا یحسبَنَّ الذین کفروا أنما نملی لهم خیر لأنفسهم إنما نملی لهم لیزدادوا إثمًا و لهم عذاب مهین» (آل عمران / ۱۷۸)

۲. نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۱۷؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۸۸، حدیث ۳؛ تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۲۹۳  
۳. ق / ۳۸

۴. «ما الفائدة فی ذکر انه تعالی انما خلقها فی ستة ایام...» (فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۱۴، ص ۹۸)

۵. همان، ص ۹۹

بوقت معین لسابق مشیتہ ... و يدل على هذا قوله تعالى في سورة ق «لقد خلقنا السموات والأرض وما بينهما في ستة أيام»<sup>۱</sup> بعد ان قال قبل هذا «وكم اهلكنا قبلهم من قرن هم اشد منهم بطشاً فنقبوا في البلاد...»<sup>۲</sup> فاخبرهم بأنه قد اهلك من المشركين به و المكذبين لأنبيائه من كان اقوى بطشاً من مشركى العرب إلا أنه امهل هؤلاء لما فيه من المصلحة كما خلق السموات و الارض و ما بينهما في ستة ايام متصله لا لأجل لغوب لحقه في الإمهال...<sup>۳</sup>

تأخير در مجازات نه بدان سبب است که خداوند متعال درباره بندگان اهمال کرده است بلکه برای آنچه پیش از این گذشت که خدا هر پدیده‌ای را، مختص به زمانی دانسته که پیش از آن، مشیت خدا بدان، تعلق گرفته است.

گواه این مطلب ذکر آیه «لقد خلقنا السموات والأرض وما بينهما في ستة أيام» بعد از آیه «وكم اهلكنا قبلهم...» در سوره ق است. از این رهگذر، به کفار عرب هشدار داده است که پیش از آنان، کسانی را که به خدا شرک ورزیده و پیامبران الهی را تکذیب کردند- آنها که قدرتمندتر از مشرکان عرب بودند- مجازات و هلاک کردیم ولی به خاطر مصلحت در مجازات آنها (مشرکان عرب) تأخیر شده است همانطور که خلقت زمین و آسمان به درازا کشید (این مدت به خاطر مصلحت بود) نه به خاطر خستگی و ناتوانی خدا.

### تدریج در آفرینش و پندآموزی

گرچه بشر، پس از گذشت هزاران سال از آفرینش زمین و آسمان، آفریده شد و در پگاه خلقت زمین و آسمان، حضور نداشت تا از نزدیک، خلقت لحظه به لحظه و تدریجی زمین و آسمان را شاهد باشد؛ لیکن، آفریدگار جهان، برای عبرت بشر، از پدیده مسلم آفرینش و خلقت تدریجی زمین و آسمان، گوشه‌ای از آفرینش پررمز و

راز آفرینش را به نمایش گذاشته است.

بر خلاف بشر، فرشتگان، در هنگام خلقت زمین و آسمان، حضور داشتند و از نزدیک شاهد صحنه‌های آفرینش تدریجی و نمایش قدرت معمار هستی بودند.

فخررازی در پاسخ این سؤال که: به چه منظور، خدای توانا، زمین و آسمان را در مدت شش روز آفرید؟ می‌نویسد:

قد ثبت بالدلیل انه تعالى يخلق العاقل اولاً ثم يخلق السموات والارض بعده ثم انّ ذلك العاقل اذا شاهد في كل ساعة وحين حدوث شيء آخر على التعاقب و التوالى، كان ذلك اقوى لعلمه و بصيرته، لأنّه يتكرّر على عقله ظهور هذا الدليل لحظة بعد لحظة فكان ذلك اقوى في افادة اليقين.<sup>۱</sup>

با دلیل ثابت شده است که خالق متعال پیش از خلقت زمین و آسمان، عاقل را آفرید آنگاه زمین و آسمان را تا او در هر زمان و هر لحظه خلقت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه را شاهد باشد (زیرا شاهد و ناظر بودن) محکمترین مرحله علم و آگاهی است؛ چرا که بروز این دلیل، موجب تقویت یقین خواهد شد.

همانسان که ملاحظه شد، پیش از خلقت زمین و آسمان، عاقل و صاحب خرد، آفریده شد تا از نزدیک، ناظر پیدایش آفرینش باشد، ولی صاحب التفسیر الکبیر آن را در حیطه ابهام گذاشت و روشن نکرد که منظور از (عاقل) کیست و چیست؟

اما خوشبختانه در این باره بطور روشن و دور از هرگونه ابهامی، سخنانی از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام به ما رسیده است که پرده ابهام را کنار زده، با روشن کردن موجودات پیش از خلقت زمین و آسمان، کاروان تشنه فضل و دانش را به حقایق قبل از آفرینش، راهنمایی نموده است.

اباصلت هروی روایت کرده است:

روزی مأمون - خلیفه عباسی - تفسیر و معنی آیه «هو الَّذی خلق السموات و

الارض فی ستة ایام<sup>۱</sup> را از امام رضا علیه السلام جویا شد. آنحضرت در پاسخ فرمود: خدا پیش از زمین و آسمان، عرش، آب و فرشتگان را آفرید تا فرشتگان برای اثبات وجود خالق هستی، به خلقت خود، آب و عرش، استدلال و احتجاج نمایند. آنگاه فرمود: یا اینکه خدا قادر بود، زمین و آسمان را در یک پلک زدن بیافریند آن را در شش روز آفرید. این بدان سبب بود که اولاً برای آنها ثابت گردد که خدا بر مخلوق و پدیده‌ای، یکی پس از دیگری قدرت دارد و ثانیاً آنها وجود هر مخلوقی را متناسب به خدا بدانند. ثم خلق السموات و الارض فی ستة ایام و هو مستول علی عرشه و کان قادراً علی ان یخلقها فی طرفه عین و لکنه ﷻ خلقها فی ستة ایام لیظهر للملائكة ما یخلقه منها شیئاً بعد شیءٍ فیستدلّ بحدوث ما یحدث علی الله تعالی ذکره مرّه بعد مرّه...<sup>۲</sup>

علامه مجلسی نیز در این باره که تدریج در آفرینش، موجب عبرت‌آموزی فرشتگان و نیز دیگر صاحبان خرد است، می‌نویسد:

ثم اِنَّه سبحانه اِنما خلق فی هذه المدة مع اَنه قادراً علی خلقها فی طرفه عین اما العبرة من خلقها من الملائكة. اِذا الاعتبار فی التدریج اکثر كما ورد فی الخبر او...<sup>۳</sup> با اینکه خداوند سبحان قادر بود زمین و آسمان را در کمتر از چشم بهم زدن بیافریند آن را به منظور پندآموزی فرشتگان در شش روز آفرید.<sup>۴</sup>

۱. حدید/ ۴

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۳۱۷، حدیث ۱۴ و ج ۱۰، ص ۳۴۲، حدیث ۴ و ج ۵۷، ص ۷۵،

حدیث ۵۰ همان، ج ۵۷، ص ۶

۴. لازم به ذکر است در بخش اول این مقاله، هنگام ویرایش در پاورقی ص ۹۳ نشریه (شماره ۴) بجای (فخررازی) (جارالله زمخشری) آمده است که بدین وسیله اصلاح می‌گردد.